

The rights of Detained persons from the perspective of the Iranian Code of Criminal Procedure and the rules of the International Criminal Court

Abbas Tadayoon¹

Abstract

Field and Aims: The accused should not be considered a criminal at any stage of the trial, and this requires observing the principle of prohibition of unlawful detention of persons and guaranteeing the rights of detainees during the trial and treating them appropriately and with dignity during the trial and detention. The principle is based on freedom, and the arrest of individuals is an exception to this principle. Hence, this exception conflicts with the principle of immunity of citizens from arbitrary arrest or detention, which is rooted in the principle of innocence, and this requires that the legal criteria for the arrest and detention of individuals be precisely defined.

Method: This is a qualitative and applied research in terms of purpose and in terms of collecting information by documentary method and studying international documents, sources related to the subject and the obtained information has been analyzed descriptively-analytically.

Findings and conclusion: In addition to the rights of the interrogation and preliminary investigation, in particular the right to be informed of the charges and the rights of the accused, detainees have the right to be immediately examined by a competent judicial authority to verify the lawfulness of the detention and enjoy other legal rights. And also to protest their legal detention from the beginning of their arrest until their release. Of course, it must be possible to compensate these detainees if their detention is illegal. This is the minimum legal rights of detainees as enshrined in the Code of Criminal Procedure and the Rules and Procedures of Case Courts and the International Criminal Court.

Keywords: Detained persons, criminal procedure, international criminal court, principle of innocence, citizenship rights.

*Citation (APA): Tadayoon, A. (2022). The rights of Detained persons from the perspective of the Iranian Code of Criminal Procedure and the rules of the International Criminal Court. *International Legal Research*, 15(55), 87-102.

http://alr.iauctb.ac.ir/article_689412.html?lang=en

1. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: atadayyon@gmail.com



حقوق اشخاص تحت بازداشت از منظر قانون آیین دادرسی کیفری ایران و مقررات دیوان کیفری بین المللی

عباس تدین^۱

چکیده

زمینه و هدف: در هیچ یک از مراحل رسیدگی نباید به متهم، به دید مجرم نگریسته شود و این امر مستلزم رعایت اصل منع بازداشت غیرقانونی اشخاص و تضمین حقوق افراد بازداشت شده در فرآیند دادرسی و برخورد مناسب و کرامت مدارانه با آنان در طول رسیدگی و بازداشت است. اصل بر آزادی است و دستگیری افراد، استثنائی بر این اصل است. از این رو، این استثناء با اصل مصونیت شهروندان از دستگیری یا بازداشت خودسرانه که ریشه در اصل برائت دارد، در تعارض قرار گرفته و همین امر ایجاب می نماید تا معیارهای قانونی دستگیری و بازداشت افراد به صورت دقیق تعیین گردد.

روش: پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است.

یافته ها و نتایج: در کنار حقوق دوران بازپرسی و تحقیقات مقدماتی، به ویژه حق تفهیم اتهام و حقوق دفاعی به متهم، افراد تحت بازداشت و دستگیری حق دارند که بلافاصله به منظور بررسی قانونی بودن بازداشت و بهره مندی از سایر حقوق قانونی نزد مقام قضایی صلاحیت دار حاضر شوند و همچنین، نسبت به بازداشت قانونی خود از ابتدای دستگیری تا آزادی، اعتراض نمایند. بدیهی است باید امکان جبران خسارت در صورت غیرقانونی بودن بازداشت برای این افراد وجود داشته باشد. این، حداقل حقوق قانونی اشخاص تحت بازداشت در قانون آیین دادرسی کیفری و مقررات و رویه قضایی دادگاه های موردی و دیوان کیفری بین المللی دیده می شود.

کلیدواژه ها: اشخاص تحت بازداشت، آیین دادرسی کیفری، دیوان کیفری بین المللی، اصل برائت، حقوق شهروندی.

*استاددهی (APA): تدین، عباس. (۱۴۰۱). حقوق اشخاص تحت بازداشت از منظر قانون آیین دادرسی کیفری ایران و مقررات دیوان کیفری بین المللی. تحقیقات حقوقی بین المللی، ۱۵(۵۵)، ۸۷-۱۰۲.

http://alr.iauctb.ac.ir/article_689412.html

۱. استادیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی دانشکده حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

رایانامه: atadayyon@gmail.com

مقدمه

آزادی و امنیت به عنوان مهمترین حقوق بنیادین شهروندان، مبنای بسیاری از تضمینات اساسی آنان در مرحله تحقیقات مقدماتی است و به همین علت، مقتضای اصل برائت، حفظ این آزادی و امنیت تا پیش از احراز مجرمیت است. در شرایطی که شهروندان در مظان ارتکاب جرم، دستگیری و بازداشت قرار می‌گیرند، حفظ حقوق و آزادی‌های آنها به مراتب مهمتر از شرایط عادی است؛ زیرا، چنین وضعیت‌هایی نه تنها اشخاص را آسیب‌پذیرتر می‌نماید، بلکه در وضعیتی که شخص مظنون در توقیف یا بازداشت موقت به سر می‌برد، حقوق وی بیش از زمانی که آزاد است، در معرض خطر قرار می‌گیرد (سالواتوره^۱، ۲۰۰۵: ۶۶). در کنار احترام به آزادی و امنیت افراد، دولت‌ها مکلفند به منظور حفظ نظم و امنیت جامعه، به مقابله با جرم و مجرم برخیزند. در تلفیق میان حرمت اشخاص و حفظ آزادی‌های آنان از یک سو و نظم و امنیت جامعه از سوی دیگر، باید توجه داشت که آزادی به عنوان حق طبیعی و فطری، امری رایج و متداول است و تعرض به آن به نام نظم و امنیت، امری استثنایی به شمار می‌رود. هرچند، سلب آزادی اشخاصی که مجرمیت آنها به صورت قانونی و قطعی اثبات گردیده است، به عنوان مهمترین استثناء اصل آزادی پذیرفته شده است. اما در خصوص اشخاصی که فقط در مظان ارتکاب جرم قرار دارند، اصل برائت، مانعی در دستگیری و بازداشت اشخاص خواهد بود (شاملو، ۱۳۹۵: ۲۷۸). بنابراین، بر این اساس در هیچ یک از مراحل رسیدگی نباید به متهم به دید مجرم نگریسته شود و این امر مستلزم رعایت اصل منع بازداشت غیرقانونی اشخاص (۱)، تضمین حقوق افراد بازداشت‌شده (۲) و همچنین، رعایت اصول مربوط به مکان‌های نگهداری پیش از محاکمه (۳) خواهد بود.

۱. منع بازداشت غیرقانونی شهروندان

اصل بر آزادی است و دستگیری افراد، استثنائی بر این اصل است. دستگیری و بازداشت افراد، دربردارنده محرومیت افراد از آزادی رفت و آمد و وادار ساختن آنان به رفتن به محل مورد نظر دستگیرکننده است. از این رو، این استثناء با اصل مصونیت شهروندان از دستگیری یا بازداشت خودسرانه (۱-۱) که ریشه در اصل برائت دارد، در تعارض قرار گرفته و همین امر ایجاب می‌نماید تا معیارهای قانونی دستگیری و بازداشت افراد (۱-۲) به صورت دقیق تعیین گردد.

۱-۱. مصونیت از دستگیری یا بازداشت خودسرانه

نظام‌های حقوقی داخلی، همواره بر این اصل تأکید داشته‌اند که متهم بی‌گناه است، مگر اینکه گناهکاری او اثبات و احراز گردد. مقتضای پذیرش چنین اصلی آن است که، امنیت و آزادی افراد تا پیش از احراز مجرمیت، محفوظ بماند و علی‌الاصول نتوان اشخاص مظنون را دستگیر یا

1. Salvatore



بازداشت نمود. بر همین اساس، بند ۱ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مقرر می‌دارد: هر کس حق آزادی و امنیت شخصی دارد. هیچ کس را نمی‌توان خودسرانه دستگیر یا بازداشت کرد. از هیچ کس نمی‌توان سلب آزادی کرد، مگر به جهات و طبق آیین دادرسی مقرر به حکم قانون. اهمیت این موضوع تا آنجا است که در نظام حقوقی ایران، مبنای قانون اساسی یافته است. بر اساس اصل سی و دوم قانون اساسی، یکی از حقوق ملت، مصونیت از دستگیری و بازداشت غیرقانونی دانسته شده است. اهمیت رعایت این اصل تا آنجا است که قانونگذار با ورود در جزئیات موضوع، به تعیین تکلیف سریع وضعیت اشخاص بازداشت‌شده و تفهیم موضوع اتهام به آنان تأکید و عدم رعایت این امر را قابل مجازات می‌داند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت، پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود. مواد ۴۶ و ۱۸۵ و تبصره ماده ۱۸۹ قانون آیین دادرسی کیفری نیز به تبعیت از این اصل مهم قانون اساسی، ضمن تأکید بر این نکته که نمی‌توان متهم را در بازداشت نگاه داشت، بر تفهیم اتهام و تعیین تکلیف فوری متهم تأکید می‌نمایند. همچنین، در خصوص دستگیری و جلب متهمان، قانونگذار مقررات خاصی را در مبحث نخست از فصل ششم بخش دوم آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی نموده است که همگی در چارچوب اصل برائت و اقتضائات اصل مصونیت از دستگیری و بازداشت غیرقانونی می‌باشد. عدم رعایت مقررات قانونی در بازداشت و جلب اشخاص از منظر رویه قضایی دادگاه عالی انتظامی قضات، به صورت توقیف متهم بدون اخذ تأمین به مدت بیش از بیست و چهار ساعت، (کریم زاده، ۱۳۸۹: ۷۶ و ۷۷) تحت نظر قرار دادن متهم و تأخیر در صدور قرار تأمین کیفری پس از چند روز و عدم رعایت مقررات قانونی در صدور دستور جلب بدون احضار قبلی متهم (کریم زاده، ۱۳۸۹: ۳۲۷) تخلف قلمداد گردیده است.

بر طبق اساسنامه و آیین‌نامه دادرسی و ادله دیوان کیفری بین‌المللی، شعبه مقدماتی مکلف است با بررسی درخواست دادستان و سایر اطلاعات و به شرط وجود قرائن کافی نسبت به ارتکاب جرم و همچنین، به منظور حضور متهم در دیوان و جلوگیری از ایجاد مانع توسط او در انجام تحقیقات و حتی بازداشتن متهم از ادامه ارتکاب جرم، قرار دستگیری متهم را صادر نماید (بند ۱ ماده ۵۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و ماده ۱۱۷ آیین‌نامه دادرسی و ادله دیوان کیفری بین‌المللی). در عین حال، اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی یکی از موارد نقض حقوق متهمان را دستگیری خودسرانه اعلام نموده است و مقرر می‌دارد: اشخاص ... نباید خودسرانه و بلاجهت دستگیر و بازداشت شوند و نباید آزادی آنها سلب گردد، مگر مطابق جهات و ترتیباتی که در این اساسنامه مقرر شده است (بند د قسمت نخست ماده ۵۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی). بنابراین،

در سیستم دیوان کیفری بین‌المللی دستگیری و بازداشت متهم با رعایت اصول و قواعد دادرسی، مجاز شناخته شده است و حتی می‌توان گفت این موضوع به عنوان یک اصل و قاعده تلقی می‌شود، به گونه‌ای که مطابق ماده ۵۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، دستور بازداشت اشخاص باید دارای شرایطی باشد که شعبهٔ مقدماتی را متقاعد سازد که بازداشت ضروری است، در غیر این صورت، به دستور احضار اشخاص بسنده می‌گردد. موضوع قانونی بودن دستگیری و بازداشت افراد در جریان محاکمات دیوان‌های بین‌المللی موردی نیز مطرح بوده است، به گونه‌ای که ادعای دستگیری غیرقانونی در پروندهٔ تودورویچ^۱ از سوی دیوان مورد پذیرش قرار نگرفت و همچنین، موضوع رسیدگی به غیرقانونی بودن دستگیری در پرونده‌های کازلزللی^۲ و انگرومپاتس^۳ در صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی روآندا دانسته نشد. همچنین، در پروندهٔ لوبانگا، به عنوان اولین متهمی که در دیوان کیفری بین‌المللی محاکمه گردیده است، قرار دستگیری متهم با ایراداتی مواجه گردیده است (تقی پور، ۱۳۹۲: ۱۹۷).

پس از اینکه متهم در دیوان کیفری بین‌المللی حضور یافت، رسیدگی به قانونی بودن دستگیری در زمرهٔ اولین حقوق وی قلمداد می‌گردد و بر اساس بند ۳ ماده ۱۱۷ آیین‌نامه دادرسی و ادلهٔ دیوان، متهم می‌تواند اعتراض کتبی خود را نسبت به صدور قرار دستگیری، وفق ماده ۵۸ اساسنامه، تسلیم شعبه مقدماتی نماید.

۱-۲. معیارهای قانونی دستگیری و بازداشت

دستگیری و بازداشت افراد، امری استثنایی و برخلاف اصل برائت و آزادی شهروندان است. استثنائی بودن این اصل می‌طلبد تا معیارهای قانونی دستگیری و بازداشت افراد در قوانین و رویهٔ قضایی مشخص گردد. اصل بر این است که نباید کسی موضوع جلب و بازداشت غیرقانونی و خودسرانه قرار گیرد و آزادی و امنیت او تحدید گردد و فقط در مواردی که دستگیری و بازداشت افراد بر اساس مقررات صریح قانونی، توسط مقامات صالح و با کسب مجوزهای لازم اجازه داده شده است، این موضوع امکان‌پذیر خواهد بود. از این‌رو، ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ بیان می‌دارد: اصل، برائت است. هرگونه اقدام محدودکننده، سلب آزادی و ورود به حریم خصوصی اشخاص جز به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضایی مجاز نیست. تنها مقنن است که می‌تواند شرایط تحدید آزادی و امنیت اشخاص را اعلام نماید. این حکم در راستای مقررات کلی حقوق بشر بین‌المللی است که بر اساس آن، تنها قانونگذار می‌تواند حقوق و آزادی‌های بنیادین افراد را تعیین و تحدید کند (رستمی، ۱۳۸۸: ۱۷). این موضوع، در ماده ۹ اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر و همچنین، ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مورد

1. The prosecutor v. Todorovic, Case No. IT – 95 – 9/1 - S, 24 March 2000.

2. The prosecutor v. Kajelijeli, Cse No. ICTR – 98 – 44 A - T, 8 May 2000.

3. The prosecutor v. Ngirumpatse, Case No. ICTR – 97 – 28, 10 Desember 1999

تأکید قرار گرفته است. بنابراین، لازم است مقامات صالح برای دستگیری، جلب و بازداشت افراد، شرایطی را که طی آن می‌تواند اشخاص را دستگیر و بازداشت نمود و همچنین، حداکثر ساعات بازداشت آنان توسط قانونگذار تعیین گردد. اصل سی و دوم قانون اساسی دستگیری اشخاص را فقط به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌نماید، امکان‌پذیر دانسته است. از لحاظ مقررات آیین دادرسی کیفری، دستگیری و جلب اشخاص توسط مقامات و مأموران قضایی تابع تشریفات قانونی و رعایت مقررات مربوط است. از این رو، بند ۵ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی تأکید می‌کند که: اصل منع دستگیری و بازداشت افراد ایجاب می‌نماید که در موارد ضروری نیز به حکم و ترتیبی باشد که در قانون معین گردیده است. همچنین، بر اساس بند نخست این ماده: کشف و تعقیب جرائم و اجرای تحقیقات و صدور قرارهای تأمین و بازداشت موقت می‌باید مبتنی بر رعایت قوانین و با حکم و دستور قضایی مشخص و شفاف صورت گیرد و از اعمال هرگونه سلیقه شخصی و سوءاستفاده از قدرت و یا اعمال هرگونه خشونت و یا بازداشت‌های اضافی و بدون ضرورت اجتناب شود.

دستگیری و بازداشت اشخاص در جرائم غیرمشهود جز با اجازه مقام قضایی امکان‌پذیر نخواهد بود و فقط در جرائم مشهود، در صورت ضرورت نگهداری متهم برای تکمیل تحقیقات، حداکثر تا مدت بیست و چهار ساعت می‌توان متهم را تحت نظر نگاه داشته و در اولین فرصت مراتب جهت اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع مقام قضایی رسانده شود. بازپرس نباید بدون دلیل کافی برای توجه اتهام، کسی را به عنوان متهم احضار و یا جلب کند. بازپرس باید پس از حضور یا جلب متهم تحقیقات شروع نموده و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت تحقیق نماید، در غیر این صورت بازداشت غیرقانونی قلمداد می‌گردد. بر اساس نظریه‌های مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه، احضار و جلب متهم نمی‌تواند بدون وجود ادله کافی (ایرانی ارباطی، ۱۳۸۶: ۱۲) و رعایت ضوابط و تشریفات قانونی (ایرانی ارباطی، ۱۳۸۶: ۱۷) صورت پذیرد. رعایت مقررات قانونی و آیین دادرسی در دستگیری و جلب متهم، در نشست قضایی کمیسیون قضایی آیین دادرسی کیفری نیز مورد تأکید قرار گرفته است (معاونت آموزش قوه قضائیه، ۱۳۸۷: ۳۵۶).

در کنار این مقررات آیین دادرسی، مقامات قضایی در صدور قرار تأمین کیفری به ویژه قرار بازداشت موقت که منجر به دستگیری و سلب آزادی اشخاص می‌گردد، ضمن رعایت اصل تناسب تأمین کیفری، باید ضوابط و تشریفات قانونی مذکور در خصوص این نوع قرار را رعایت نمایند. بدیهی است عدم رعایت این موارد می‌تواند علاوه بر مسئولیت کیفری یا مدنی، تخلف انتظامی (کریم زاده، ۱۳۸۹: ۷۷) نیز قلمداد گردد.

در بند د قسمت نخست ماده ۵۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی تأکید شده است که دستگیری یا بازداشت خودسرانه اشخاص و محرومیت آنها از آزادی ممنوع است، مگر مطابق

دلایل و آیینی که در اساسنامه مقرر شده است. با رجوع به مقررات فصل پنجم اساسنامه، می‌توان این دلایل و آیین مربوط به بازداشت را شناسایی کرد. دستگیری و بازداشت، بر اساس بند ۱ ماده ۵۸، پس از درخواست دادستان و احراز شرایط دوگانه زیر، توسط شعبه مقدماتی امکان‌پذیر خواهد بود:

۱. وجود دلایل معقول بر ارتکاب یکی از جرائم وارد در صلاحیت دیوان توسط متهم یا مظنون؛

۲. ضرورت دستگیری او به منظور اطمینان از حضور در محاکمه، اطمینان از عدم ایجاد اختلال یا خطر در روند تحقیقات یا دادرسی توسط او، جلوگیری از ادامه ارتکاب جرم یا جرائم مرتبط با آن.

هرچند، بسیاری از متهمان جنایات بزرگ بین‌المللی رأساً یا به دنبال درخواست دیوان‌های کیفری بین‌المللی توسط مأمورین و مقامات ملی و با رعایت مقررات و تشریفات داخلی، دستگیر و بازداشت می‌شوند، با وجود این، در بند چهارم فصل پنجم آیین‌نامه دادرسی و ادله دیوان کیفری بین‌المللی با عنوان شیوه‌های کاری در خصوص محدودیت و محرومیت از آزادی، در مواد ۱۱۷ و ۱۱۸ مقررات شکلی در خصوص دستگیری و بازداشت در کشور بازداشت شده و همچنین، نگهداری در بازداشت پیش از محاکمه در دیوان پیش‌بینی شده است. همچنین، در خصوص به کارگیری وسایلی از قبیل دستبند که پس از دستگیری و بازداشت اشخاص برای آنان محدودیت ایجاد نماید، در ماده ۱۲۰ این آیین‌نامه مقرر گردیده است: ابزارهای شخصی محدودیت جز به عنوان احتیاط در مقابل فرار، حمایت از شخص در بازداشت دیوان و دیگران یا برای دلایل امنیتی دیگر، مورد استفاده قرار نمی‌گیرد و هنگامی که شخص نزد شعبه حاضر می‌شود، {این ابزارهای محدودیت} برداشته می‌شود. تعیین دقیق و روشن معیارهای شکلی و ماهوی دستگیری و بازداشت اشخاص در جریان رسیدگی‌های کیفری بین‌المللی، همواره مورد تأکید بوده است، به گونه‌ای که بر اثر عدم وجود چنین مقرراتی در خصوص قانونی بودن بازداشت یا دستگیری در پرونده‌هایی مانند پرونده دکمانوویچ^۱ و تدوروویچ^۲ در دیوان کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و همچنین پرونده‌های سمانز^۳ و بارایاگوزیا^۴ در دیوان کیفری بین‌المللی رواندا مشکلات و مسائل عدیده‌ای مطرح شده است.

1. The prosecutor v. Dokmanovic, Case No. IT-95-13/A, 8 Desember 1999
 2. The prosecutor v. Todorovic, Case No. IT-95-9/1, 31 July 2001
 3. The prosecutor v. Semanza, Case No. ICTR-97-20-A, 20 May 2005
 4. The prosecutor v. Barayagwiza, Case No. ICTR-97-19-AR72, 3 November 1999 & 31 March 2000

۲. حقوق فرد بازداشت‌شده

در کنار حقوق دوران بازپرسی و تحقیقات مقدماتی، به ویژه حق تفهیم اتهام و حقوق دفاعی به متهم، افراد تحت بازداشت و دستگیری حق دارند که بلافاصله به منظور بررسی قانونی بودن بازداشت و بهره‌مندی از سایر حقوق نزد مقام قضایی صلاحیت‌دار حاضر شوند (۲-۱) و همچنین، نسبت به بازداشت قانونی خود از ابتدای دستگیری تا آزادی، اعتراض نمایند (۲-۲). بدیهی است باید امکان جبران خسارت در صورت غیرقانونی بودن بازداشت برای این افراد وجود داشته باشد (۳-۲).

۲-۱. حق حضور سریع نزد مقام قضایی صلاحیت‌دار

بر اساس بند ۳ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی: هر کس به اتهام جرمی دستگیر یا بازداشت می‌شود، باید در اسرع وقت در محضر قاضی یا هر مقام دیگری که به موجب قانون مجاز به اعمال اختیارات قضایی باشد، حاضر گردد و باید در مدت معقولی محاکمه یا آزاد گردد. هدف از حضور فوری و سریع نزد مقام قضایی صلاحیت‌دار یا هر مقامی که دارای اختیارات قضایی است، بررسی قانونی بودن دستگیری و بازداشت است. این امر باید به آسانی، سرعت و بدون هیچ نوع هزینه انجام پذیرد (علامه، ۱۳۸۹: ۲۶۱). بدیهی است پس از بررسی موضوع، هرگاه مقام قضایی بازداشت را غیرقانونی تشخیص دهد، باید دستور آزادی فوری فرد را صادر نماید. برخی از نویسندگان، حق حضور فوری نزد مقام قضایی صالح پس از دستگیری را ناشی از پذیرش اصل عدم جواز بازداشت دانسته‌اند (منصوری، ۱۳۹۱: ۱۳۷). اگر پذیرفته شود که آزادی متهم، اصل است و سلب آزادی امری استثنائی و خلاف این اصل که باید با دلایل قانونی اثبات گردد، مسلماً احراز این امر در صلاحیت مقامی خواهد بود که از نظر قانونی چنین اختیاری را داشته باشد. بنابراین، همان‌گونه که هر دستگیری و بازداشتی باید بر اساس مقرره قانونی یا حکمی باشد که توسط مقام صالح صادر گردیده است، ادامه بازداشت، قانونی بودن و بررسی علت آن نیز باید با حضور فرد بازداشت‌شده نزد مقام قضایی صالح صورت پذیرد. این رویکرد در اصل سی و دوم قانون اساسی بازتاب داشته است. بر اساس قسمتی از این اصل، در صورت بازداشت افراد، باید حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالح قضایی ارسال و مقدمات تحقیق و دادرسی در اسرع وقت فراهم آید. ضابطان دادگستری مکلفند در صورت بازداشت متهم در جرائم مشهود، در اولین فرصت مراتب را جهت اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع مقام قضایی برسانند و مقام قضایی باید در خصوص ادامه بازداشت یا آزادی متهم تعیین تکلیف نماید. در صورت جلب یا دستگیری متهم، مأمورین مکلفند بلافاصله متهم را تحویل مقام قضایی دهند و علی‌الاصول حق بازداشت وی را ندارند. ماده ۱۸۹ قانون آیین دادرسی کیفری نیز بازپرس را مکلف می‌داند تا بلافاصله پس از حضور یا جلب متهم، تحقیقات را شروع و در صورت عدم امکان،

حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت مبادرت به تحقیق نماید، در غیر این صورت بازداشت فرد، غیرقانونی تلقی می‌گردد و علاوه بر مسئولیت کیفری، با ضمانت اجرای انتظامی نیز مواجه خواهد شد (کریم زاده، ۱۳۸۹: ۲۱۵).

حضور فوری فرد بازداشت شده نزد مقام قضایی به منظور بررسی قضایی موضوع، ریشه در نظام حقوقی کامن‌لا دارد که بر اساس آن، این بررسی باید فوری، رأساً و بدون درخواست قبلی و با توجه به دیدگاه‌های فرد تحت بازداشت انجام پذیرد (علامه، ۱۳۸۹: ۲۶۱).

به دنبال درخواست بازداشت و دستگیری اشخاص از سوی دیوان، بر اساس بند ۲ ماده ۵۹ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، شخص بازداشت شده باید فوراً در مرجع صالح قضایی کشور بازداشت‌کننده حاضر گردد تا این مرجع بر اساس قوانین داخلی خود، اولاً، ارتباط دستور بازداشت با شخص بازداشت‌شده، ثانیاً، رعایت مقررات و تشریفات قانونی در خصوص بازداشت شخص و ثالثاً، رعایت حقوق شخص بازداشت‌شده را بررسی نماید. شخص بازداشت‌شده حق دارد که از مرجع صالح در کشور بازداشت‌کننده، آزادی موقت خود را تا زمان تحویل به دیوان تقاضا نماید (بند ۳ ماده ۵۹ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی). کشور بازداشت‌کننده شخص به محض دریافت دستور تسلیم از دیوان، باید نسبت به تسلیم شخص بازداشت‌شده به دیوان اقدام نماید. بر اساس بند ۳ ماده ۹۲ اساسنامه و همچنین، ماده ۱۸۸ آیین‌نامه دادرسی و ادله دیوان، دیوان کیفری بین‌المللی حداکثر ظرف مدت ۶۰ روز باید درخواست تحویل متهم و اسناد مربوط به آن را به کشور بازداشت‌کننده ارائه نماید. این شخص به محض رسیدن به دیوان باید با حضور دادستان نزد شعبه مقدماتی حاضر گردیده تا از حقوق خود مطلع گردد. او می‌تواند درخواست آزادی موقت نموده و شعبه مقدماتی بعد از بررسی نقطه نظرات دادستان، بدون تأخیر در این خصوص تصمیم‌گیری می‌نماید. این شعبه، هر ۱۲۰ روز یا در هر زمان بر اساس درخواست شخص در بازداشت یا دادستان، در خصوص آزادی یا بازداشت شخص تصمیم‌گیری می‌نماید.

بر اساس رویه قضایی دیوان‌های کیفری بین‌المللی موردی، متهم پس از دستگیری باید نزد دیوان حضور یافته و دیوان پس از استماع نظرات وی، بدون تأخیر درباره او اتخاذ تصمیم نماید.^۱ در پرونده بارایاگوزوا، شعبه تجدیدنظر دیوان کیفری بین‌المللی روآندا با استناد به نظریه سوء جریان رسیدگی و به علت تأخیر دادستان در حاضر نمودن متهم در نزد دیوان و استمرار طولانی بازداشت وی، دستور آزادی فوری متهم را صادر نموده است.^۲ بدیهی است حضور فوری متهم نزد مرجع قضایی می‌تواند مقدمات آشنایی او با اتهام و دلایل آن، حقوق قانونی وی و به ویژه حق اعتراض او نسبت به دستگیری و بازداشت و تقاضای جبران خسارت را فراهم آورد.

1. The prosecutor v. Semanza, Case No. ICTR – 97 – 20 – A, 31 May 2000

2. The prosecutor v. Barayagwiza, Case No. ICTR – 97 – 19 – AR72, 3 November 1999

۲-۲. حق اعتراض به بازداشت قانونی

حق اعتراض و شکایت در مراجع قضایی از زمره حقوق دفاعی متهمان است. تصمیم‌های مراجع قضایی کیفری، به ویژه آنهایی که منجر به سلب آزادی اشخاص می‌گردند، در بسیاری از موارد جبران‌ناپذیرند. بنابراین، متهم در معرض وضعیتی قرار می‌گیرد که منجر به ورود آسیب‌های اجتماعی، اقتصادی و خانوادگی به وی می‌گردد. از این رو است که ماده ۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر حق رجوع مؤثر به محاکم ملی صالح در برابر اعمالی که حقوق اساسی افراد را مورد تجاوز قرار می‌دهد را به رسمیت شناخته است؛ که حق اعتراض و تجدیدنظرخواهی یکی از این موارد رجوع مؤثر متهم به مراجع ملی است. در خصوص حق اعتراض به دستگیری و بازداشت نیز به صراحت بند ۴ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی یاد آور می‌شود که: هر کس به علت دستگیری یا بازداشت از آزادی محروم شود، حق دارد که به دادگاه به منظور بررسی قانونی بودن بازداشت اعتراض کند تا در صورت غیرقانونی بودن بازداشت، حکم آزادی او صادر شود. مستنبط از مواد ۱۸۵، ۴۶ و ۱۸۹ قانون آیین دادرسی کیفری، پس از دستگیری متهم به دنبال ارتکاب جرم مشهود و یا حسب دستور مقام قضایی، باید موضوع در اولین فرصت جهت اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع مقام قضایی رسانده شود تا وی در خصوص ادامه بازداشت یا آزادی متهم تعیین تکلیف نماید. بدیهی است این تکلیف قانونی می‌تواند به دنبال اعتراض متهم صورت پذیرد، ولی قانونگذار اعتراض متهم در این خصوص را برای انجام این وظیفه قانونی توسط مقامات قضایی لازم ندانسته است. این رویکرد، در پذیرش اعتراض ذینفع از رأی وحدت رویه شماره ۶۴۰ مورخ ۱۳۷۸/۸/۱۷ هیأت عمومی دیوان عالی کشور نیز قابل استنباط است که اعلام می‌دارد: اصل بر قابل اعتراض بودن قرارهایی است که اصدار آنها موجبات اضرار به حقوق اصحاب دعوا را فراهم می‌سازد (بازگیر، ۱۳۸۹: ۳۸). در خصوص بازداشت موقت نیز بر اساس مواد ۲۴۲، ۲۴۱ و ۲۴۶ قانون آیین دادرسی کیفری راجع به حق اعتراض به بازداشت در مرحله تحقیق و محاکمه، چه در مقام صدور و چه در مقام ابقاء و تمدید، تعیین تکلیف شده است.

هرچند در اساسنامه و آیین‌نامه دادرسی و ادله دیوان‌های کیفری بین‌المللی موردی به صراحت حق اعتراض به بازداشت پیش‌بینی نشده است، اما در رویه قضایی این محاکم به صراحت اعلام شده که امکان رجوع شخص بازداشت شده به یک مرجع قضایی مستقل برای بررسی قانونی بودن بازداشت به موجب اساسنامه و آیین‌نامه دادرسی و ادله، امری کاملاً مسلم است (بواس^۱، ۲۰۱۱: ۱۱۳-۱۱۷). شاید به همین علت است که در ماده ۵۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی که درباره حقوق اشخاص در مرحله تحقیقات مقدماتی است، صحبتی از حق اعتراض اشخاص نسبت به قانونی بودن دستگیری یا بازداشت به میان نیامده است. اما مستنبط از ماده ۵۹ این اساسنامه که از

1. Boas

شیوه و آیین دستگیری و بازداشت در کشور محل توقیف سخن به میان می‌آورد، می‌توان حق اعتراض شخص دستگیر شده را دریافت. بند ۲ این ماده مقرر می‌دارد که شخص دستگیر شده باید بلافاصله نزد مقام قضایی صالح در کشور محل دستگیری حاضر گردد تا اجرای قرار دیوان نسبت به او، قانونی بودن دستگیری و رعایت حقوق او بررسی شود. همان گونه که پیدا است، این نظارت قضایی بر دستگیری و بازداشت متوقف بر درخواست متهم نبوده و تکلیفی است که رأساً بر عهده مقام قضایی است که عدم اجرای آن می‌تواند حق اعتراض متهم را به دنبال داشته باشد. همچنین، از بند ۳ این ماده استنباط می‌گردد که تقاضای آزادی موقت تا هنگام تحویل متهم به دیوان، مستلزم پذیرش حق اعتراض متهم به قانونی بودن دستگیری یا بازداشت است. در کنار این نظارت مراجع ملی، بر اساس بندهای ۵ و ۶ ماده فوق‌الذکر شعبه مقدماتی دیوان نیز می‌تواند توصیه‌هایی را به مراجع قضایی ملی که در حال اجرای قرار بازداشت هستند، بنماید. همچنین، مقررات آیین‌نامه دادرسی و ادله دیوان نشان می‌دهد که نظارت قضایی بر دستگیری و بازداشت و سپردن اختیار صدور قرار دستگیری به شعبه مقدماتی، سبب حذف حق اعتراض شخص نسبت به قانونی بودن صدور قرار مطابق با شروط مذکور در بند ۱ ماده ۸۵ اساسنامه نخواهد بود. بر اساس بند ۳ ماده ۱۱۷ آیین‌نامه اعتراض نسبت به اینکه آیا قرار دستگیری به نحو قانونی مطابق با بند ۱ ماده ۵۸ صادر شده، مستلزم ارائه درخواست کتبی به شعبه مقدماتی است. این درخواست باید حاوی مبنای اعتراض باشد. شعبه مقدماتی پس از دریافت نظر دادستان باید بدون تأخیر درباره آن تصمیم بگیرد. بر اساس ماده ۱۱۸ آیین‌نامه و ماده ۶۰ اساسنامه، شخصی که به دیوان تحویل داده می‌شود، از همان آغاز می‌تواند درخواست آزادی موقت نموده و در صورت استمرار بازداشت، شخص می‌تواند در هر زمان، متقاضی بازنگری در تصمیم باشد.

۲-۳. حق جبران خسارت در صورت غیرقانونی بودن بازداشت

حق بر جبران خسارت یکی از اصول کلی حقوقی است که بر اساس آن، هر کس به سبب عمل دیگری، متحمل خسارت شود، حق دارد جبران آن را درخواست نماید. اشخاصی نیز که بدون جهت دستگیر یا بازداشت می‌شوند، از جمله آنکه از آزادی و حقوق ناشی از آن محروم می‌گردند، حق دارند تا در این خصوص درخواست جبران خسارت نمایند. حق بر جبران خسارت از اصول بنیادین حقوق بشری است که تضمین‌کننده آن نیز می‌باشد. بر این اساس، بند ۵ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مقرر می‌دارد: «هر کس که به طور غیرقانونی دستگیر یا بازداشت گردد، حق جبران خسارت خواهد داشت». همچنین بند ۶ ماده ۱۴ این میثاق، به لزوم جبران خسارت از قربانیان اشتباهات قضایی اشاره کرده است.

هرچند در قانون مسئولیت مدنی، از لزوم جبران خسارت ناشی از اعمال دیگران که بر جان، سلامتی، مال، آزادی، حیثیت، شهرت تجاری یا هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد

ایجاد شده است، لطمه وارد آورد، سخن به میان آمده است، اما در حقوق ایران، جبران خسارت از متهمان بی گناه تا قبل از تدوین قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، مورد توجه قانونگذار قرار نگرفته بود. بر اساس ماده ۲۵۵ این قانون، اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی به هر علت بازداشت می گردند و در نهایت، از سوی مراجع قضایی، رأی قطعی برائت یا منع تعقیب آنان صادر می شود، می توانند خسارت ایام بازداشت را از دولت مطالبه کنند. جبران خسارت موضوع ماده ۲۵۵ این قانون بر عهده دولت است و در صورتی که بازداشت بر اثر اعلام مغرضانه جرم، شهادت کذب و یا تقصیر مقامات قضایی باشد، دولت پس از جبران خسارت می تواند به مسئول اصلی مراجعه کند. شخص بازداشت شده باید ظرف شش ماه از تاریخ ابلاغ رأی قطعی حاکی از بی گناهی خود، درخواست جبران خسارت را به کمیسیون استانی جبران خسارت، ارائه نماید. این کمیسیون در صورت احراز شرایط مقرر قانونی، حکم به پرداخت خسارت صادر می کند. در صورت رد درخواست، این شخص می تواند ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ، اعتراض خود را به کمیسیون ملی جبران خسارت اعلام کند. این کمیسیون به اعتراض شخص بازداشت شده رسیدگی و رأی آن قطعی خواهد بود.

هرچند مقررات مشخصی راجع به جبران خسارت برای دستگیری یا بازداشت غیرقانونی در مقررات دیوان های کیفری بین المللی موردی وجود نداشته است، اما رویه عملی این محاکم نشان می دهد که قضات با استناد به حقوق بین الملل، این موضوع را مورد پذیرش قرار داده و بر مبنای آن رأی داده اند.^۱ اما اساسنامه دیوان کیفری بین المللی و آیین نامه دادرسی و ادله آن با توجه به رویه گذشته این محاکم و اهتمام به تضمین حقوق متهم به صراحت به موضوع جبران خسارت ناشی از بازداشت غیرقانونی توجه نموده است.

بر اساس بند ۱ ماده ۸۵ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی که به نحوی انعکاس بند ۵ ماده ۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی است، هر کس از دستگیری یا بازداشت غیرقانونی متضرر گردد، حق مطالبه غرامت را خواهد داشت. همچنین، هرگاه شخصی به موجب رأی قطعی دیوان کیفری بین المللی محکومیت یابد و به دنبال این محکومیت تحمل مجازات نماید، اما به دنبال کشف واقعیات جدید، قصور در انجام وظایف قضایی احراز و رأی محکومیت نقض گردد، محکوم علیه مستحق دریافت خسارت است، مگر آنکه ثابت شود عدم ارائه واقعیات مکتوم در آن زمان جزئاً یا کلاً منتسب به همان شخص بوده است. به طور کلی، در موارد خاصی که به نظر دیوان واقعیات حاکی از قصور آشکار و مهم در انجام وظایف قضایی باشد، پیرو صدور رأی قطعی برائت یا منع تعقیب، بر مبنای مقررات آیین نامه دادرسی و ادله دیوان، حکم به پرداخت

1. The prosecutor v. Lajic, Case No. IT – 95 – 8 –T, 17 June 1996; The prosecutor v. Barayagwiza, Case No. ICTR – 97 – 19 – AR72, 3 November 1999; The prosecutor v. Tadic, Case No. IT – 99 – 36 PT, 3 December 1999

خسارت اشخاص می‌گردد. بر اساس ماده ۱۷۳ آیین‌نامه دادرسی و ادله دیوان کیفری بین‌المللی، ذینفع ظرف مدت ۶ ماه از اطلاع از تصمیم دیوان، درخواست جبران خسارت خود که حاوی مبانی، دلایل و مستندات و مبلغ خسارت می‌باشد را به هیأت رئیسه دیوان تقدیم می‌نماید. از آنجا که طرف چنین دعوایی بر اساس ماده ۱۴۷ آیین‌نامه دادرسی و ادله دیوان، دادستان خواهد بود، تقاضای جبران خسارت برای او ارسال و پس از دریافت پاسخ دادستان، شعبه دیوان تصمیم‌گیری می‌نماید.

۳. اصول مربوط به مکان‌های نگهداری پیش از محاکمه

بر اساس ماده ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، با کلیه افرادی که از آزادی محروم می‌گردند، باید با انسانیت و احترام به حیثیت ذاتی آنان رفتار گردد. بنابراین، شخصی که از او سلب آزادی می‌شود، حق دارد در مکانی قانونی و مناسب که دارای حداقل استانداردهای مربوطه می‌باشد، نگهداری شود. قانونی بودن مکان بازداشت، از مهمترین اصولی است که باید رعایت گردد و هر کسی که از آزادی خود محروم شده است، باید در بازداشتگاهی که از نظر قانونی شناسایی شده است، نگهداری شود (دقیقی، ۱۳۸۴: ۱۱).

بر اساس ماده ۷ حداقل قواعد استاندارد سازمان ملل در خصوص حقوق زندانیان، اطلاعات این دسته از اشخاص باید به طور دقیق ثبت و ضبط گردد. جهت نظارت بر انجام دقیق قوانین و مقررات و رعایت معیارهای بین‌المللی در خصوص بازداشت‌شدگان، مکان‌های بازداشت باید به طور منظم به وسیله اشخاص واجد شرایط و ذیصلاح مورد بازدید قرار گیرند.

اصل براءت و احترام به حقوق و آزادی‌های شهروندان و رعایت حیثیت و کرامت آنان اقتضاء دارد که در نگهداری اشخاص متهم و تحت نظر، اصل تفکیک و جداسازی آنان از محکومان رعایت گردد. بنابراین، یکی دیگر از اصولی که در ماده ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مورد تأکید قرار گرفته است، تفکیک متهمان از محکومان و همچنین جداسازی اطفال از بزرگسالان است. بر این اساس، متهمین جز در موارد استثنایی از محکومین جدا نگهداری خواهند شد و تابع نظام جداگانه متناسب با وضع اشخاص غیرمحکوم خواهند بود. ماده ۸ حداقل قواعد استاندارد سازمان ملل در خصوص حقوق زندانیان نیز بر این موضوع تأکید دارد. بر اساس ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور: بازداشتگاه، محل نگهداری متهمانی است که با قرار کتبی مقام‌های صلاحیت‌دار قضایی تا اتخاذ تصمیم نهایی به آنجا معرفی می‌شوند. همچنین، بر اساس تبصره نخست این ماده: تا هنگامی که بازداشتگاه‌های موضوع این ماده ایجاد نشده است، در زندانها محل جداگانه طبقه‌بندی شده‌ای برای نگهداری متهمان تحت قرار در نظر گرفته می‌شود و نگهداری متهمان با محکومان در یک مکان ممنوع است. بنابراین، اصل تفکیک و طبقه‌بندی که عبارت است از «جداسازی زندانیان از یکدیگر در زندان، بازداشتگاه

و یا مراکز اقدامات تأمینی و تربیتی کشور از حیث جنس، سن، نوع جرم، وضعیت قضائی (متهم و محکوم) و وضعیت سلامتی در حقوق کیفری ایران پذیرفته شده است.

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تأکید دارد که، هیچ‌کس را نمی‌توان مورد آزار و شکنجه و یا مجازات‌ها یا رفتارهای ظالمانه یا خلاف انسانی یا ترذیلی قرار داد و همواره باید با افراد به ویژه اشخاص محروم از آزادی، با احترام به جنبه انسانی، کرامت ذاتی آنان رفتار نمود.

بر این اساس است که قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی در این راستا، بیان می‌دارد که اصل منع دستگیری و بازداشت افراد ایجاب می‌کند که در موارد ضروری نیز دستگیری و بازداشت به حکم و ترتیبی باشد که در قانون معین گردیده است و خانواده دستگیرشدگان در جریان قرار گیرند. همچنین، کشف و تعقیب جرائم و اجرای تحقیقات و صدور قرارهای تأمین و بازداشت موقت باید مبتنی بر رعایت قوانین و با حکم و دستور قضایی مشخص و شفاف صورت گیرد و از اعمال هر گونه سلیق شخصی و سوءاستفاده از قدرت و یا اعمال هر گونه خشونت و یا بازداشت‌های اضافی و بدون ضرورت اجتناب شود (بندهای ۱ و ۵ قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی).

دیدگاه میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در بند ۱ قسمت نخست ماده ۵۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی بازتاب یافته است و بر این مبنا، اشخاص در حین تحقیق نباید تحت اجبار، اکراه، تهدید و یا شکنجه و یا هر نوع رفتار ظالمانه و غیرانسانی، تحقیرآمیز یا مجازات‌های تأدیبی قرار گیرند. از بند ۲ ماده ۵۹ اساسنامه نیز استنباط می‌گردد هنگام بازداشت و نگهداری متهمان، به دنبال درخواست بازداشت آنها از سوی دیوان، مرجع قضایی ملی باید بر رعایت حقوق شخص بازداشت‌شده نظارت نموده و تضمین نماید حقوق آنان در بازداشت رعایت می‌گردد. در صورتی که متهم در اختیار دیوان قرار گیرد، بر اساس بندهای ۳ و ۴ ماده ۶۰ اساسنامه، دیوان بر رعایت حقوق او در بازداشت نظارت خواهد نمود. بدیهی است مستنبط از ماده ۲۱ و بند ۲ ماده ۱۰۶ اساسنامه دیوان، اجرای بازداشت مطابق با معاهدات بین‌المللی مربوط به رفتار با زندانیان و اشخاص محروم از آزادی خواهد بود.

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌گونه که گذشت، آزادی و امنیت به عنوان مهمترین حقوق بنیادین شهروندان، مبنای بسیاری از تضمینات اساسی آنان در مرحله تحقیقات مقدماتی است و به همین علت، مقتضای اصل برائت، حفظ این آزادی و امنیت تا پیش از احراز مجرمیت است. در شرایطی که شهروندان در مظان ارتکاب جرم، دستگیری و بازداشت قرار می‌گیرند، حفظ حقوق و آزادی‌های آنها به مراتب مهمتر از شرایط عادی است. نباید فراموش کرد که در هیچ یک از مراحل رسیدگی نباید به متهم به دید مجرم نگریسته شود و این امر مستلزم رعایت اصل منع بازداشت غیرقانونی اشخاص و

تضمین حقوق افراد بازداشت‌شده در فرآیند دادرسی و برخورد مناسب و کرامت‌مدارانه با آنان در طول رسیدگی و بازداشت است. اصل بر آزادی است و دستگیری افراد، استثنائی بر این اصل است؛ زیرا، در تلفیق بین حرمت اشخاص و حفظ آزادی‌های آنان از یک سو و نظم و امنیت جامعه از سوی دیگر، باید توجه داشت که آزادی به عنوان حق طبیعی و فطری، امری رایج و متداول است و تعرض به آن به نام نظم و امنیت، امری استثنایی به شمار می‌رود. دستگیری و بازداشت افراد دربردارنده محرومیت افراد از آزادی رفت و آمد و وادار ساختن آنان به رفتن به محل مورد نظر دستگیرکننده است. از این رو، این استثناء با اصل مصونیت شهروندان از دستگیری یا بازداشت خودسرانه که ریشه در اصل برائت دارد، در تعارض قرار گرفته و همین امر ایجاب می‌نماید تا معیارهای قانونی دستگیری و بازداشت افراد به صورت دقیق توسط قانونگذار تعیین گردد و دست‌اندرکاران عدالت بر اجرای آنها اهتمام ورزند. همچنین، حقوق افراد دستگیرشده تحت هر عنوان، مشخص و بر اجرای کامل آنها تأکید و نظارت گردد. تعیین ضمانت‌اجراهای دادرسی، اداری و کیفری می‌تواند تضمین‌کننده رعایت حقوق اشخاص تحت بازداشت باشد.

سپاسگزاری

پژوهشگر، از عزیزانی که در فرآیند ویراستاری ادبی و صفحه‌آرایی این مقاله همکاری و راهنمایی داشتند، کمال تشکر و امتنان را دارد.

منابع

- ایرانی ارباطی، بابک. (۱۳۸۶). *مجموعه نظرهای مشورتی جزایی*. جلد نخست. چاپ دوم. انتشارات مجد
- بازگیر، یدالله. (۱۳۸۹). *آراء ماهوی دیوان عالی کشور در امور حقوقی و جزایی*. چاپ اول. انتشارات جنگل.
- تقی پور، علیرضا. (۱۳۹۲). *ارزیابی قانونی بودن دستگیری منہم در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی*. نجفی ابرندآبادی، علی حسین «زیرنظر»، تازه‌های علوم جنایی - مجموعه مقاله‌ها. جلد نخست. چاپ دوم. نشر میزان.
- رستمی، ولی و دیگران. (۱۳۸۸). *دادرسی عادلانه در مراجع اختصاصی اداری ایران*. چاپ اول. نشر گرایش.
- سازمان اصلاحات جزایی بین‌المللی. (۱۳۸۴). *نظارت بر مکان‌های حبس: راهنمای عملی برای سازمان‌های غیردولتی*. ترجمه مؤده دقیقی. چاپ اول. نشر وفاق.
- شاملو، باقر. (۱۳۹۵). *اصل برائت کیفری در نظام‌های نوین دادرسی*. مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری. چاپ ششم. انتشارات سمت.
- علامه، غلام حیدر. (۱۳۸۹). *اصول راهبردی حقوق کیفری*. چاپ اول. نشر میزان.
- کریم زاده، احمد. (۱۳۸۹). *آراء دادگاه‌های انتظامی قضات در امور کیفری*. چاپ اول. انتشارات جنگل (جاودانه).
- معاونت آموزش قوه قضائیه. (۱۳۸۷). *مجموعه نشست‌های قضایی، مسایل آیین دادرسی کیفری* (۱). چاپ اول. ویرایش سوم. انتشارات جاودانه.
- منصوری، مهدی. (۱۳۹۱). *مطالعه تطبیقی بازداشت موقت و جایگزین‌های آن در فقه اسلامی و اسناد بین‌المللی*. رساله دکتری فقه و حقوق جزا، دانشگاه شهید مطهری.
- Boas, Gideon, Bischoff, James L Reid, Natalie L. and Taylor, B. Don. (2011). *International criminal procedure*. Volume 3. First edition. Cambridge University press
- Zapala, Salvatore. (2005). *Human rights in international criminal procedure*. Second Edition, Oxford. Oxford university press.